

• **عقل‌گرایی در اجتهاد شیعی**

آنچه در این مقاله حائز اهمیت است، نقش عقل و عقلانیت‌گرایی در پویایی فقه شیعی و هماهنگ‌سازی آن با شرایط هر عصر و زمانه‌ای است. در تاریخ شیعه شیخ مفید اولین کسی است که رسماً عقل را به‌عنوان منبع اجتهاد مطرح می‌کند و در کتاب «التذکرة باصول‌الفقه» به این موضوع می‌پردازد. کتاب «المقنعه» او نیز، اولین اثر کلاسیک در مورد ولایت فقیه می‌باشد؛ اما این موضوع به سال‌ها قبل از شیخ مفید برمی‌گردد. حسین کاشف‌الغطاء (۱۳۷۴، ۱۲۹۴ ق) مجتهد شیعی می‌گوید: «باب اجتهاد از زمان رسول خداﷺ گشوده بود و بلکه امری ضروری بود.»<sup>۳۵</sup>

نمی‌توان گفت که مسلمانان در دوران پیامبرﷺ نیازمند اجتهاد نبودند؛ زیرا مواردی پیش می‌آمد که مسلمانان به آن حضرت دسترسی نداشتند؛ مانند جنگ‌ها، هجرت مسلمانان به حبشه و به‌هنگام تجارت با مأموریت به خارج از مکه و مدینه. در این موارد پیامبر اکرمﷺ گاهی استنباط اصحاب را تأیید و گاهی اصلاح می‌کردند.<sup>۳۶</sup> از جمله آنکه پیامبرﷺ به معاذبن جبل اجازه داد، در صورت لزوم اجتهاد کند و به آن عمل نماید.<sup>۳۷</sup> «همچنین دستور آن‌حضرت مبنی بر اینکه آنچه از من برای شما نقل می‌گردد، اگر با قرآن موافق بود، آن را بپذیرید و اگر مخالف قرآن بود، آن را دور بیندازید»<sup>۳۸</sup>، نشانه دعوت ایشان به تفکر و استنباط در حد ابتدایی و ساده آن بوده است. «مسائل دیگری در زمان پیامبرﷺ رخ نمود که نشان‌دهنده اجتهاد در زمان ایشان و به وجود آمدن طبقه‌ای به‌نام فقها (قاریان) و امضای ایشان بود؛ مثلاً در واقعه بنی‌قرظه پیامبرﷺ به یاران خود فرمود: نماز عصر را تا رسیدن به آنجا بجا نیاورید. گروهی به فرمان پیامبر عمل کردند و گروهی دیگر که غرض رسول‌خداﷺ را از این دستور تسریع در رسیدن به مقصد دانستند، نماز عصر را در وقت ادائی آن بجا آورده و به‌سرعت خود را به محل مربوطه رساندند و چون پیامبرﷺ آنها را توبیخ نکرد و یا آنها را مؤاخذه نکرد، معلوم می‌شود که اجتهادشان مشروعیت داشته است.»<sup>۳۹</sup>

حذیفه‌بن یمان، سلمان فارسی و عمارپاسر سه تن از فقهای بزرگ دوران قبل از خلافت امیرالمؤمنینﷺ هستند که با به‌کار بردن استدلال و فقهات منحصربه‌فرد خود در به رسمیت نشناختن خلیفه وقت و کسب اجازه از حضرت علیﷺ به‌عنوان ولی‌امر مسلمین در قبول یا رد ولایت مدائن و کوفه که عثمان و عمر به آنها پیشنهاد کرده بودند، در جهت‌گیری نظری «ولایت فقیه» در زمان قصور ید (حاکمیت بالقوه) امام معصومﷺ، تعیین‌کننده بودند. به نظر عمار ولایت فقها بر جامعه باید با اذن امام معصومﷺ باشد. ولایت از طرف حاکم جور را باید پذیرفت؛ ولی به دستورات او، اگر مخالف دستورات خداوند باشد، نباید عمل کرد. سلمان نیز برای اثبات همراهی ولایت و فقهات، با ابوبکر احتجاج می‌کرد و به استدلال‌ات عقلی می‌پرداخت.<sup>۴۰</sup>

عصر امامان معصومﷺ دوره امتیاز فقه شیعه از اهل سنت است؛ اگرچه برخی پنداشته‌اند، فقه شیعی در این دوره دامنه‌ای محدود داشته و با وجود امامان معصومﷺ و امکان دسترسی به ایشان، ضرورت و مجالی برای اجتهاد و فقهات نبود؛<sup>۴۱</sup> ولی تشویق‌های ایشان با طرح این نکته که وظیفه ما ارائه اصول و قواعد کلی است و وظیفه شما تفریع و استنتاج<sup>۴۲</sup> و یا دستور ایشان به برخی از کارگزاران به فتوا دادن در موارد لزوم، مبین حضور اجتهاد و فقهات در زمان امام معصومﷺ به‌هنگام عدم دسترسی به ایشان است. امام علیﷺ به قثم‌بن عباس، کارگزار خود در مکه فرمود: بامداد و شامگاه برآنان بنشین. آن را که فتوا می‌خواهد، فتوا ده و نادان را بیاموز و با دانا گفت‌وگو کن.<sup>۴۳</sup>

امام خمینیﷺ با ذکر اخباری که حاکی از اجتهاد اصحاب امامان معصومﷺ است، اجتهاد یا روشی نزدیک به آن را در زمان ائمه اطهارﷺ امری متداول و متعارف می‌شمارند.<sup>۴۴</sup> امام سجادﷺ نیز با صحه گذاشتن بر نظارت محمدبن حنفیه عموی خود بر قیام مختار، ولایت فقها بر مبارزه را نیز تثبیت کرد.<sup>۴۵</sup> امام صادق و امام باقرﷺ با تأسیس اولین دانشگاه فقه، معارف و علوم تجربی شاگردان بسیاری را تربیت کردند. این دانشگاه عرصه تقابل افکار و اندیشه‌های الهی و التقاطی فراوانی بود که در این دوره شکل گرفت و همچنین بستری برای جلوه‌گری و رشد تفکر و عقلانیت در مباحثات و گفت‌وگوهای رایج بین صاحبان عقاید مختلف بود.

در عرصه این مباحثات امام صادقﷺ درس عملی استدلال و استنتاجات عقلی را به شاگردان خود یاد می‌دادند و در لابه‌لای پرسش و پاسخ‌های دینی، بذر بسیاری از قواعد فقهی و اصول کلی استنباط را در ذهن شاگردان خود می‌افشاندند.<sup>۴۶</sup> امام صادقﷺ به ابان‌بن تغلب از بزرگان فقیهان مکتب می‌فرماید: «در مسجد مدینه بنشین و برای مردم فتوا بده؛ به‌درستی که من دوست دارم، مثل تو را در شیعیان خود ببینم.»<sup>۴۷</sup>

امام موسی‌کاظمﷺ نیز سرپرستی شیعیان را به یکی از فقها و محدثان خود به‌نام علی‌بن یقظین می‌سپارد و تنها یک مسئولیت بر عهده او می‌گذارد که: هر وقت یکی از شیعیان ما به تو مراجعه کرد، هر کار و نیازی داشته باشد، انجام دهی و برای او عزت و احترام قابل‌شوی؛<sup>۴۸</sup> اما در مورد دستگاه و نحوه کمک به شیعیان از جانب علی‌بن یقظین که در دستگاه حکومتی نفوذ کرده و مذهب خود را مخفی کرده بود، تصمیم‌گیری در شرایط مختلف به خود او واگذار شده بود و در مورد جزئیات، سفارشی به وی نشده بود.

پس از شهادت امام حسینﷺ در کربلا قیام‌های فراوانی تاریخ شیعه را مزین کرده است که اولین آنها قیام زیدبن علی، فرزند امام سجادﷺ می‌باشد. این روند را پس از زید بسیاری از بزرگان شیعه دنبال کردند که بسیاری از آنها مورد تأیید ائمه اطهارﷺ بودند. امام صادقﷺ پس از شنیدن خبر شهادت زید می‌فرماید: «همانا عم من (زیدبن علی) مردی بود برای دنیای ما و آخرت ما. قسم به خدا! عمویم شهیدی است همچون شهیدانی که در رکاب رسول‌خدا و علی و حسن و حسین (صلوات‌الله علیهم) شهید شدند.»<sup>۴۹</sup>

در واقع ائمه اطهارﷺ با علم به مناسب نبودن شرایط جهت قیام مسلحانه و بی‌نتیجه ماندن آن، در این قیام‌ها، با وجود اصرار بسیاری از شاگردان و انقلابیون علوی، شرکت نمی‌جستند؛ اما سادات علوی را که با عقل و فکرخود به این نتیجه رسیده بودند که برای اجرای احکام الهی راهی جز قیام مسلحانه وجود ندارد، رد نمی‌کردند و به استدلال آنها احترام می‌گذاشتند.

در عصر غیبت صغری (۳۲۹ – ۲۶۰ ق) ویژگی برجسته اجتهاد، استنباط حکم در حوادث واقع و دستیابی به رهنمودهای عملی دین در پیشامدها بود و کمتر به تفریع و استنتاج در مسائل ذهنی



۱۱. لک‌زایی، نجف، سیر تطور سیاسی امام، تهران، سازمان انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۴، ص ۹۴
۱۲. الموسوی خمینی، روح‌الله، کشف‌الاسرار، تهران، نشر ظفر، صص ۱۸۶، ۱۸۷.

۱۳. همان، ص ۱۸۵؛
۱۴. همان، ص ۱۸۶؛
۱۵. سیر تطور سیاسی امام، ص ۹۷؛
۱۶. حسینی، سیداحمد، ولایت مطلقه فقیه، فصل‌نامه فقه، س ۶، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۸۸، پاییز و زمستان ۱۳۷۸؛
۱۷. رهیافتی بر مبانی مکتب‌ها و…، ص ۲۱۳؛

۱۸. محمدبن‌الحسن الحر العالمی، وسائل‌الشیعه، الجزء الثامن عشر (بیروت: دارالاحیاء التراث العربی)، ۱۳۸۷ ق، ص ۹۹ به‌نقل از: احمد جهان بزرگی، درآمدی بر نظریه دولت در اسلام، ص ۸۳؛
۱۹. جهان بزرگی، احمد، درآمدی بر نظریه دولت در اسلام، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۷، ص ۱۰۳؛
۲۰. فصل‌نامه فقه، ص ۸۳؛
۲۱. همان‌جا؛

۲۲. امام خمینی، حکومت اسلامی، ۱۳۹۱ ق، صص ۲۵ تا ۳۳؛
۲۳. فصل‌نامه فقه؛
۲۴. حکومت اسلامی، ص ۴۱؛
۲۵. فصل‌نامه فقه، ص ۸۵؛
۲۶. همان؛
۲۷. همان، ص ۸۶؛
۲۸. همان، ص ۸۷؛
۲۹. همان، ص ۷۱؛
۳۰. مطهری، مرتضی، ده گفتار، تهران، انتشارات صدرا، چاپ

فقدام، ۱۳۸۰، ص ۱۲۲؛
۳۱. فصل‌نامه فقه، ص ۷۷؛
۳۲. همان، صص ۷۸ و ۷۹؛
۳۳. همان، ص ۶۰؛
۳۴. همان، ص ۶۲؛
۳۵. دایرةالمعارف، تنبیع، تنبیع (سیری در فرهنگ و تاریخ تنبیع)، تهران، نشر سعید مجبی، ۱۳۷۳، ص ۷۴؛
۳۶. گواهی، زهرا، مبانی فقهی آرای خاص امام خمینیﷺ، دفتر قم، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۲، ص ۱۹؛
۳۷. دایرةالمعارف، تنبیع، تنبیع، ص ۷۴؛
۳۸. جهان‌بزرگی، احمد، درآمدی بر نظریه دولت در اسلام، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۷، ص ۱۹؛
۳۹. همان، صص ۲۰ و ۲۱؛
۴۰. همان، صص ۲۸ و ۵۲؛
۴۱. مبانی فقهی آرای خاص امام خمینیﷺ، ص ۲۰؛
۴۲. همان‌جا؛

۴۳. نهج‌البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، تهران، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنینﷺ، نامه ۶۷، ص ۴۳؛
۴۴. مبانی فقهی آراه خاص امام خمینیﷺ؛
۴۵. دایرةالمعارف، تنبیع، تنبیع، ص ۶۶؛
۴۶. مبانی فقهی آراه خاص…، ص ۲۱؛
۴۷. التوزی الطبرسی، حسن، المستدرک‌الوسائل، المجلد السابع عشر (بیروت مؤسسه آل‌آیتﷺ)، ۱۲۱۲، به‌نقل از: «درآمدی بر نظریه دولت در اسلام»، ص ۸۵؛
۴۸. جهان بزرگی، احمد، درآمدی بر نظریه دولت در اسلام، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۷، ص ۹۳؛
۴۹. شیخ صدوق این بابویه، متن و ترجمه عبون اخبارالرضاﷺ، ج ۱، ترجمه: محمدرضا شمس‌علی، کاتب‌عقاری، تهران، نشر صدوق، ۱۳۷۲، صص ۵۲۱ و ۵۲۲؛
۵۰. مبانی فقهی آرای خاص…؛
۵۱. جعفریان، رسول، تاریخ تنبیع در ایران، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تابستان ۱۳۶۸، ص ۱۲۱؛
۵۲. مبانی فقهی آرای خاص…، ص ۲۲؛
۵۳. مدرسی طباطبایی، حسین، زمین در فقه اسلامی، تهران، دفتر

نشر فرهنگ اسلامی، بهار ۱۳۶۲، ص ۵۳؛
۵۴. دایرةالمعارف، تنبیع، تنبیع، ص ۸۴؛
۵۵. مبانی فقهی آرای خاص…، ص ۲۲؛
۵۶. دایرةالمعارف، تنبیع، تنبیع، ص ۸۴؛
۵۷. همان، ص ۸۵؛
۵۸. همان، صص ۸۵ و ۸۶؛
۵۹. زمین در فقه اسلامی، ص ۶۳؛
۶۰. دایرةالمعارف، تنبیع، تنبیع، ص ۸۷؛
۶۱. مبانی فقهی آرای خاص…، صص ۲۲ و ۲۳؛
۶۲. زمین در فقه اسلامی، ص ۶۷؛
۶۳. همان، ص ۷۱؛
۶۴. دایرةالمعارف، تنبیع، تنبیع، ص ۹۵؛
۶۵. مبانی فقهی آرای خاص…، ص ۲۵؛
۶۶. دایرةالمعارف، تنبیع، تنبیع، ص ۹۵؛
۶۷. احتجاج طبرسی، ج ۲، چاپ نجف، ص ۳۲۳؛
۶۸. کلینی، محمد، اصول کافی، ترجمه، صادق حسن‌زاده، ج ۲، ص ۲۷۷.

## ۱. مقدمه

**نکته مهمی که قیام ۱۵ خرداد را از سایر نهضت‌های اسلامی متمایز و برجسته می‌کند، این است که امام خمینیؑ با درک بستر فراهم‌شده و حضور و حمایت بی‌بدیل مردمی از مرجعیت، اندیشه سیاسی را از تفکر اصلاحی به تفکر انقلابی منتقل می‌کند.**

**اندیشه سیاسی امام در راه گذر از اندیشه‌های اصلاحی به اندیشه‌های انقلابی، دچار تحول تدریجی شد؛ اما نقطه قوت امام خمینیؑ آن بود که به‌واسطه ایشان و به کمک شناخت دقیق اوضاع، شرایط و امکانات و با استعانت از پویایی تفکر شیعه، اجتهاد شکل گرفت. امام درک عمیق از اندیشه‌های اصلاحی داشت؛ اما آنها را برای وضعیت معاصر مناسب ندید.**

ادامه این روند و رساندن انسان‌ها به جایی که خود ضرورت انکارناپذیر اجرای احکام الهی را بر جوامع خود بپذیرند و تشنه و خواهان برقراری عدالت در همه عرصه‌های زیست اجتماعی و فردی خود باشند، به آخرین امام معصوم، حضرت حجت‌بن حسن‌العسکری <sup>علیه‌السلام</sup> واگذار شده است. ایشان پس از امام یازدهم تاکنون به رهبری و هدایت سیر تکاملی اندیشه شیعه پرداخته‌اند و آن را از بین حوادث و خطرات مرگبار تاریخی به پیش برده‌اند. همان‌طور که ایشان در توجیع شریفشان به شیخ مفید نوشته‌اند: ما از رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم که اگرچنین بود، دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان شما را ریشه‌کن می‌کردند.<sup>۳۷</sup>

به‌طور قطع داخل شدن عقل در منابع اجتهاد توسط شیخ مفید و سپس تکوین و گسترش بهره‌گیری از آن در امر اجتهاد توسط فقهای بزرگ و نامی شیعی که تمام عمر خود را صرف درک و پیاده کردن و اشاعه احکام الهی کرده‌اند و در جلب رضایت امام زمان خویش از هیچ کاری روگزار نبوده‌اند، دور از نظر و نظارت و رهبری ایشان نبوده است و اگر این موضوع را بپذیریم که مولود مبارک انقلاب اسلامی، از آشپخور نوزایی اندیشه سیاسی شیعی در ۱۵ خرداد ۴۲ سیراب می‌شود و این نوزایی فقه شیعی، مدیون آن سیر و تحول تدریجی در تاریخ فقه شیعی است، بی‌تردید برنامه‌ریزی و به نتیجه رساندن قدم به قدم این انقلاب از آغاز تفکر سیاسی شیعه تا بهمن ۵۷ را، حاصل عنایت و توجه خاص آن امام معصومﷺ به اوضاع و شرایط اجتماعی شیعیان خود می‌بینیم. محمد مسلم از حضرت امام محمدباقرﷺ نقل می‌کند که فرمود: «حق و درستی نزد کسی از مردم نیست و کسی از مردم به حکمی حق، داوری نمی‌کند؛ جز اینکه از ما خاندان صادر شده است و چون امور بر آنان شاخه شاخه می‌شود، خطا از آنان است و درستی از علیﷺ.»<sup>۳۸</sup>

طبق اعتقاد شیعه هر چیزی از حق که در دست مردم است، جز از نزد ائمهﷺ صادر نشده است و هر چیزی از نزد آنان صادر نشده، باطل است.

به نقل از پایگاه اینترنتی 15khordad42.ir مجموعه مقالات همایش ۱۵ خرداد: زمینه‌ها و بسترها، به‌کوشش دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، جلد ۱، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۸، صص ۷۵ – ۵۷.

#### • پی‌نوشت‌ها

۱. ژوئیس، مازوین، شکست شاهانه (روان‌شناسی شخصیت شاه)، ترجمه: عباس مخبر، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، زمستان ۱۳۷۰، ص ۴۶۹؛
۲. امام خمینیﷺ، صحیفه، ج ۱۴، ص ۴۶۳؛
۳. نامدار، مظفر، رهیافتی بر مبانی مکتب‌ها و جنبش‌های سیاسی شیعه در صد ساله اخیر، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بهار ۱۳۷۶، ص ۲۸۲؛
۴. نامدار، مظفر، «امام خمینی، انقلاب اسلامی و شالوده‌شکنی سبطره گفتمان‌های رسمی در حوضه سیاست (۷)، فصل‌نامه ۱۵ خرداد (فصل‌نامه تخصصی در حوزه تاریخ‌پژوهی ایران معاصر)، س ۳، ش ۹، ص ۸۴، پاییز ۱۳۸۵؛
۵. همان، ص ۸۸؛
۶. همان؛
۷. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۹؛
۸. فصل‌نامه ۱۵ خرداد، ص ۹۱؛
۹. همان، ص ۹۲؛
۱۰. همان؛

فقه را مستحکم ساخت. چنانچه مشخصه عمده فقه

او، استدالات قوی در هر مبحث است. فرق دیگر فقه کرکی، بذل توجه خاص به پاره‌ای از مسائل است که با تغییر سیستم حکومتی و به قدرت رسیدن شیعه در ایران به وجود آمده بود. مسائلی از قبیل حدود و اختیارات فقیه، نماز جمعه، خراج و مقاسمه و…<sup>۳۱</sup>

در نیمه دوم سده دوازدهم قمری فقیه بزرگ شیعه، محمدباقربن محمد اکمل - معروف به وحید بهبهانی - (م ۱۲۰۵ ق) که دارای نبوغ خاصی در استدلال و تحلیل و تفکر عقلایی بود، مکتب اخباری را که از اوایل قرن یازدهم توسط امین استرآبادی تأسیس و مکتب اجتهاد و تفکر تعلقی و تحلیلی را در فقه شیعه محکوم و منزوی کرده بود، پس از سال‌ها حکومت باطن‌راخ بر فقه شیعی در هم پیچید و مکتب خاص خود را به جای آن نشاند. از جمله آثار او«الفوائدالحائریه» و «مصابیح‌الغلام فی شرح مغتایح‌الشرایع فیض کاشانی» است.<sup>۳۲</sup>

شیخ محمدحسن نجفی معروف به صاحب جواهر (م ۱۲۶۶ ق) از فقیهان اصول‌گرای برجسته دیگر سده سیزدهم است که در پیروزی قاطع مکتب اصولی و زوال اخباری‌گری سهم بسزایی داشت.<sup>۳۳</sup> دقت‌ها و موشکافی‌های شیخ انصاری (م ۱۲۸۱ ق) در کتاب و مکاسب، قهوه فقه شیعه را به‌کلی دگرگون ساخت. طرح کلی که وی پایه‌ریزی کرد و فقه را به‌روشی اصولی و تحلیلی بنیان نهاد، همچنان اساس کار فقه شیعی است.<sup>۳۵</sup>

پس از شیخ انصاری، آخوند ملامحمدکاظم خراسانی (۱۲۵۵ق) بیشترین سهم را در رشد مکتب اجتهادی و حقوقی انصاری دارد.<sup>۳۶</sup> علاوه بر او در سده سیزدهم و چهاردهم، فقهای برجسته‌ای پا به عرصه فقهات نهادند. که هر یک در رشد و پیشرفت علم فقه، نقش بسزایی داشتند. آخرین نفر از این سلسله که این مقاله مربوط به آراء و عقاید ایشان است، امام خمینیﷺ است که با تدبیر، شجاعت و بینش وسیع خود به تبیین عقلانی تئوری سیاسی انقلاب اسلامی و نظریه ولایت فقیه پرداخت و بر بنیاد آن حکومت دولت اسلامی- شیعی را تأسیس کرد.

#### • نتیجه‌گیری

با مروری کوتاه به سیر تحول و رشد استفاده از عقلانیت در فقه و اجتهاد و به‌دور از همه مکاتب فلسفی و طبیعی که در این امر راه افراط را در پیش گرفته‌اند، ضرورت این گرایش را درک می‌کنیم. مسلمانان طبق تعالیم پیامبر اسلامﷺ معتقد بودند که قرآن، کتاب هدایت بشر در همه اعصار، تا هفتاد بار دارای معانی پنهان در الفاظ قرآنی است و درک این معانی و کاربرد آنها در زندگی انسان‌ها برای راهیای از ظلمات گمراهی به وجود ائمه اطهارﷺ - متخصصین تفسیر قرآن با بهره‌گیری از علم الهی - نیاز دارد. ائمه معصومینﷺ با توجه به شرایط سیاسی - اجتماعی عصر خویش و وجود خلفا و حکام جور و خفقان بیان و اندیشه در آن زمان، جهت حفظ مکتب و پیروان خویش از گزند دشمنان اسلام به‌ناچار در خفا و پوشیده سخن گفتن را برگزیده بودند و پیروان راستین دین حقیقت برای داشتن درک صحیح از مفاهیم و تعالیم الهی دین خویش، باید به استنباط و استدلال عقلی روی می‌آوردند. ائمه معصومینﷺ از هر فرصتی هر چند اندک برای فهماندن این امر خطیر به یاران راستین و بسیار اندک خود استفاده می‌کردند.

<sup>[1]</sup> آنچه در این مقاله حائز اهمیت است، نقش عقل و عقلانیت‌گرایی

<sup>[2]</sup> آنچه در این مقاله حائز اهمیت است، نقش عقل و عقلانیت‌گرایی